

به نام خداوند جان و خرد

مجموعه اشعار

وارثان و ارکون

فرهاد شکوهی شسواری

انتشارات نوین پویا

سرشناسه	: شکوهی، فرهاد، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: واژگان واژگون / فرهاد شکوهی شهسواری.
مشخصات نشر	: تنکابن: نوین پویا، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۱۷۰ ص.
شابک	: ۷۰۰۰۰ ریال 2-58-5499-600-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: بالای عنوان: مجموعه اشعار.
موضوع	: شعر فارسی — قرن ۱۴
شناسه افزوده	: شکوری، محمدحسن، ۱۳۲۶ - ، ویراستار
رده بندی کنگره	: IIR ۸۱۲۳ / ک ۸۶۵ و ۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۱۶۲۳۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۷۷۰۳۸

نام کتاب: مجموعه شعر واژگان واژگون

شاعر: فرهاد شکوهی شهسواری

ویراستار: محمدحسن شکوری ، طرح جلد: محمد جمشیدی

ناشر: انتشارات نوین پویا

تیراژ: ۱۰۰۰ / رقعی ، نوبت چاپ : اول ۱۳۹۲

شابک : ۳-۵۸-۵۴۹۹-۶۰۰-۹۷۸

قیمت : ۷۰۰۰۰ ریال

مرکز پخش : تهران ، روبروی دانشگاه تهران ، کوچه الوندی ، طبقه ۲

تلفن : ۶۶۹۵۱۲۴۱-۰۲۱ همراه : ۳۸۰۱۳۱۸-۰۹۱۲

تنکابن ، سه راه خرم آباد ، روبروی بانک ملی ، مرکز خرید ، فاز ۲ شرقی

زبانسرای پویا (انتشارات نوین پویا) ۴۲۳۶۵۱۱-۴۲۲۱۲۳۱-۰۴۲۲-۰۱۹۲

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۴۰	کشف و شهود	۷	پیشا سخن
۴۱	بارش شعر	۱۱	آدرخش خدایی
۴۲	مرد و مرکب	۱۲	افسانه فرهاد
۴۳	شاعر شمالی	۱۴	اندیشه جهانی
۴۴	آوای سکوت	۱۵	آهنگ دیگر
۴۵	ماه پنهان	۱۶	فصلِ سردِ فاصله
۴۶	سه تار و ستاره	۱۷	روشنتر از خاموشی
۴۷	پنجره ای برای پرواز	۱۸	دم به دم دیوانه تر
۴۸	برپا خیز	۲۰	آتش در جنگل
۴۹	زمستان	۲۱	خطر سازِ خزر
۵۰	وای بر من	۲۳	سردارِ جنگل
۵۲	قناری سیاه	۲۵	گنجشکی زیر باران
۵۳	قلم شکسته	۲۶	آینه دارِ عشق
۵۴	تنگِ دلتنگ	۲۷	آتشِ عشق و اندیشه
۵۵	ماهگیرِ دلگیر	۲۸	پروانه پائیز
۵۶	غواص	۲۹	دریا دل
۵۸	پشتِ کوه	۳۱	واژگانِ واژگون
۵۹	چشمه نور	۳۳	قسم بر غزل
۶۰	زخم و خنجر	۳۵	غزل بانوی مهربان
۶۲	تکیه بر تنهایی	۳۶	معمای ساده
۶۳	تازه نفس	۳۸	عارفِ عاشق

۸۲	 رؤیای سبز	۶۴	 زیباتر از بهار
۸۳	 کاجهای کج ، سروهای راست ...	۶۵	 باران سبز
۸۴	 کابوس بد ، خوابِ خوب	۶۹	 تخمِ محبت
۸۴	 مالا مال از ملال	۶۹	 بی مرز
۸۵	 توسن طوفان	۷۰	 سوی چشم
۸۶	 شگفت انگیز	۷۱	 دلتنگ
۸۶	 صدای صلح	۷۲	 ماه در پناه
۸۷	 خواب خونین	۷۳	 طرح تازه
۸۷	 مهلتِ مهتاب	۷۴	 خوابِ آب
۸۸	 رفت و برگشت	۷۴	 جسور
۸۸	 کبوتر و مرغِ عشق	۷۵	 توفانِ شبنم
۸۹	 عطرِ پراکنده	۷۵	 مردابِ متعفن
۹۰	 چهل سال چشم انتظار	۷۵	 چیستان
۹۱	 آناهیتا	۷۶	 کوشش و کشش
۹۱	 سوار بر آب	۷۶	 آتشِ عشق
۹۲	 سخنگوی سکوت	۷۶	 یکی با همه تنها
۹۲	 یار تمام عیار	۷۷	 شکوهِ شوکتِ دیرین
۹۳	 ریگ و دانا	۷۸	 خانهٔ خاکی
۹۳	 ساعت پنج	۷۸	 فقرِ خانمانسوز
۹۴	 تگرگِ بهاری	۷۹	 کوچ
۹۵	 حجتِ حق	۷۹	 خروجِ خاموش
۹۶	 مینیاتوریست	۸۰	 زود باش
۹۷	 زرتشت	۸۰	 ستارهٔ هالی
۹۷	 چنگ در دل	۸۱	 پلنگ و آهو

۹۸	 دردِ مشترک	۱۱۸	 فراسو
۹۸	 روحِ مجروح	۱۱۹	 رصدِ ستاره
۹۹	 آبیِ کبود	۱۱۹	 فتیله سوز
۹۹	 امواجِ واج	۱۲۰	 گوشواره
۱۰۰	 اوجِ رؤیا	۱۲۱	 ماهی و دریا
۱۰۱	 ماهِ پلنگ	۱۲۲	 بادبادک در باد
۱۰۲	 پلنگِ زخمی	۱۲۳	 جای خالی
۱۰۳	 قرقو	۱۲۳	 پیشتاز
۱۰۴	 سینه چاکِ کوچکیِ انتها	۱۲۴	 پرندۀ مجروح
۱۰۵	 رقصِ ابلیس	۱۲۵	 پرندۀ خیال
۱۰۷	 آقای معلّم	۱۲۶	 ماهیِ قرمزِ لغزنده
۱۰۸	 افکارِ آفتابی	۱۲۷	 سیبِ سرخِ لبنان
۱۰۹	 معمّای هستی	۱۲۸	 ایشار و عشق
۱۰۹	 دریای آرام	۱۲۹	 شعر و شکوفه
۱۱۰	 بوسه بر مهتاب	۱۳۰	 رایحهٔ رؤیا
۱۱۱	 ماهِ ماهی	۱۳۱	 برفِ سرخ
۱۱۱	 اندیشناک	۱۳۲	 پُلِ خاطره
۱۱۲	 بلورتن	۱۳۲	 آئینه آسمان
۱۱۳	 تفرقه و تفاهم	۱۳۳	 ذهن و زبان
۱۱۳	 انعکاسِ صدا	۱۳۳	 عقابِ آبی
۱۱۴	 دریافت	۱۳۴	 دگردیسی
۱۱۵	 یک جفت کبوتر	۱۳۴	 پاره خاطرات
۱۱۶	 پُلِ پیوند	۱۳۵	 نیوغ
۱۱۷	 ماهی و من	۱۳۵	 آوازِ غاز

۱۵۲	 شعر و شاپرک	۱۳۶	 اسبِ بالدار
۱۵۳	 استعاره و اشاره	۱۳۷	 عمود بر افق
۱۵۳	 پندارِ پاک	۱۳۸	 زایش مسیحایی
۱۵۴	 شتاب کن	۱۴۰	 شهاب سنگ
۱۵۴	 کیستی تو؟	۱۴۰	 کاهه
۱۵۵	 پرندهٔ خیالین	۱۴۱	 مرغِ ماهِ خوار
۱۵۵	 قناری	۱۴۱	 رو بروی رؤیا
۱۵۶	 اسبِ آشوب	۱۴۲	 شوکرانِ شعر
۱۵۶	 تخمِ تلخِ تاریخ	۱۴۲	 اشکِ خونِ آلود
۱۵۷	 شوقِ شکفتن	۱۴۳	 خاکستر و باد
۱۵۷	 لالهٔ بازگون	۱۴۳	 خوابزده
۱۵۸	 روزگارِ کجمدار	۱۴۴	 چهل سال انتظار
۱۵۸	 بندرگاه	۱۴۴	 دوچرخه سوار
۱۵۹	 همیشه بهار	۱۴۵	 رقصِ دف
۱۵۹	 نور در نور	۱۴۵	 تیغِ ماهی
۱۶۰	 شبِ توفانی	۱۴۶	 کتفِ شکسته
۱۶۰	 دلآشوبه	۱۴۶	 نمک گیر شدن
۱۶۱	 تب و تشنج	۱۴۷	 نقره داغ
۱۶۱	 مراقبه	۱۴۷	 خاطره ای گریخته از ذهن
۱۶۲	 قافِ قافیه	۱۴۸	 بانوی بارانی پوش
۱۶۲	 بقعهٔ کبوتر	۱۴۹	 ترانهٔ دلتنگی
۱۶۳	 جهان بازگونه	۱۵۰	 بختِ بیدار
۱۶۳	 لاله ی لال	۱۵۰	 پیاز و پیانو
۱۶۴	 هایکوها	۱۵۱	 همیشه پایدار
		۱۵۲	 اندوه زارِ خشک

پیش‌سخن

تنها در شعر است که زبان ، تمامی توانائی خود را آشکار می کند .
(باختین)

این دفتر بخشی از شعرهایی است که در گذر سالهای اخیر و پس از انتشار دو دفتر پیشین « زندان آزادی » و « شور ماهی شمال » فراهم آمده است . از غزل با محتوای شور و شیدائی ، تا تأملی در آنچه شاعر را به عنوان انسانِ معاصر در قلمرو عاطفه و اندیشه متأثرش می کند و دیگر انواع شعر همچون مثنوی ، رباعی ، نیمائی و سپید تا شعرک هایی هایکو وار و کوتاه که همان گزین گویه هائی است که طی این سالها با خود حدیثِ نفس کرده ام . اما نیک می دانم که بیشتر شعرهای این دفتر در قلمرو معنا پویا هستند و صامت نیستند ، بلکه ناطق اند و این را از آنجا آموخته ام که شعر خوب الزاماً متنی بسته و یک لایه و خنثی و بی زبان نیست ، چون به واسطه ی شاعر که موجودی است بشری ، قدرِ سخن را می شناسد و در تلاش و هم سخنی و دیالوگ و شاید چالش است . در این دفتر این دغدغه ها به هیچوجه متصنّفانه نیست بلکه برای سراینده امری

درونی و نهاده‌ینه شده است . از این رو کوشیده‌ام شعر را به مسلخ و محدودهٔ شعار نکشانم و حرمتش را به بازارِ مکارهٔ سیاست نبرم .

این دفتر با اشعارِ کوتاه و بلندش روایتگرِ نزدیک شدنِ شاعر با ذهن و زبانِ نظام یافته و شاید پیراسته و پیوسته در پیِ کار بستِ روشنِ گوه‌رانِ اصلی شعر برآمده است . گوه‌ران شعر عبارتند از:

الف : عاطفه و احساس که زمینهٔ درونی و معنوی و مثل خون در رگ و رشته شعر است و به اعتبارِ کیفیتِ برخوردِ شاعر با جهانِ بیرون و بیرون و رویدادها است که خالقِ من ها می شود. «من ها» ی گوناگونِ شاعر در قلمروِ شاعریِ منِ فردی ، منِ اجتماعی و منِ جهانی است ، که در شعر تکرر می یابند و یا به دیگر سخن تکثیر می شوند .

ب : خیال که سازندهٔ دامنهٔ صورتگری ها و صورِ بلاغتِ ذهن و زبانِ شاعر است . چه این ادراکِ خیالین است که زبانِ شعر را به عنوانِ زبانِ ادبی از زبانِ هنجار و علم (در درجهٔ اول) جدا می کند چون صورتگریِ خیالین همان عنصرِ جوهریِ شعر است و شعر خود جوهرِ شعریت را در گروِ همین صور و خیال می داند و وابسته به کارکردِ آن می باشد.

پ : اندیشه از گوه‌رانِ دیگر شعر است که شعر را در قلمروِ معنی سرشار می کند و با خیال‌مندی و احساس و عاطفه بشری جوهرِ فکر و مضمون را به جهانِ بُن مایهٔ گوهرین شعر می رساند و می برد و این

همان فکر است که می‌گوییم و می‌پرسیم شاعر چه می‌گوید ؟ در حقیقت می‌خواهیم دریابیم که اندیشه شاعر چیست ؟

ت : زبان که کارکردش از طریق آواها ، مفردات ، ترکیبات و ساختار نحوی را در شعر توجیه می‌کند و از طریق همین مفردات زبان است که به دستگاه فکری و اندیشگی و جهان بینی شاعر می‌توان رسید . از سوی آواها به موسیقی شعر و یا از طریق واژگان و ترکیبات تازه و موسیقائی آن پی می‌بریم که شاعر تا چه حد در فرو ریختن ساختار و نظام متعارف زبانی در شعر کوشیده است و آشنا زدائی کرده است و یا با ساختار نحوی زبان ، توانسته است با دیگر عناصر زبانی و جمال شناسیک شعر منتج به وقوع یک سبک مستقل و یا دست کم منتج به زبانی رسا ، جاندار و پُر خون بشود که روایت گر من شخصی و اجتماعی و جهانی شاعر در عرصه ذهن و زبان باشد ، در نتیجه شعری شناور با سبکی سیال و پویا و پاینده که شایسته شعر معاصر و زندگی امروز و سرعت مضاعف دنیای کنونی ما باشد . اما بدانیم که شعر چون علم مبتنی بر صدف نیست بلکه شاعری صداقت نهادینه شده شاعر را می‌طلبد که از کذب و دروغ بیزار است و رهرو راستین راستی و رستگاریست . نکته دیگر آنکه شاعر چگونه توانسته از موسیقی به سامانه کناری (ردیف و قافیه) موسیقی بیرونی (وزن عروضی) ، موسیقی درونی (تناسب صامت و مصوت ها) و موسیقی معنوی (تضاد و طباق و ایهام و ...) برسد .

در این دفتر رهروی شاعر در این عرصه ها تجلی دارد و به قدر همت و آگاهی خود کوشیده است و تأملاتی در وادی ساخت و صورت شعر داشته است ، از این رو باز می گویم که شعر باید از شکل مناسب برخوردار باشد چون که آنرا آخرین عنصر و گوهر شعر می دانم و می دانند که ورای نظم و قافیه است و قطعاً به ایجاد نظام شاعرانگی در کار شاعری به شاعر یاری می رساند ، و آن یعنی عنصر پیوند دهنده عاطفه ، خیال ، موسیقی ، اندیشه و زبان است . پس ساخت شعر ، بسیار وسیع و گسترده و سیال و عمیق است که آنرا از قلمرو نظم و نثر جدا می سازد.

به هر صورت شعرهای این دفتر با چنین صورنگریها و میناکاریهای ظریف زبانی و خیالمندی ها سروده شده اند . امید است که شاعر توانسته باشد وظیفه والای خود را در سرایش شعر به ما هو شعر در پیشگاه اهل ذوق و هنر انجام داده باشد و حتی اندکی و لحظه ای درنگی در مخاطب و خواننده شعر برانگیخته باشد و همین تلنگر خیال انگیز و شاعرانه « زجهان گذران ما را بس » .

(فرهاد شکوهی شهسواری)

اردیبهشت ۹۱

تنکابن